

الحمد لله

ربع قرن تلاطم در مرافه

(بررسی رویدادها و تحولات مرافه از آغاز خراب جهانی دوم تا اصلاحات ارضی)

تألیف:

دکتر منصور پور مؤذن



کتابخانه ملی ایران

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۳-۲۳۱-۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۵۸۴۵۴

عنوان و نام پدیدآور: ربع قرن تلاطم در مراغه (بررسی رویدادها و تحولات مراغه از آغاز جنگ

جهانی دوم تا اصلاحات ارضی) / تألیف منصور پور مؤذن

مشخصات نشر: تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۵۷ ص.

موضوع: مراغه - تاریخ

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۳۲۶۵

رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۳ ب ۲ / ۲۱۲۱ DSR

سرشناسه: پور مؤذن، منصور، ۱۳۴۵-

وضعیت فهرست نویسی: فیا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۳-۲۳۱-۳



تهران: خیابان مفتح، خیابان سمیه، روبه روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

© حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات سفیر اردهال www.safirardehal.ir

ربع قرن تلاطم در مراغه

(بررسی رویدادها و تحولات مراغه از آغاز جنگ جهانی دوم تا اصلاحات ارضی)

تألیف: دکتر منصور پور مؤذن

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۳

صفحه آرایي و طرح جلد: انتشارات سفیر اردهال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سفیر قلم

شمارگان: ۵۵۰

شماره نشر: ۱-۳۷۹

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اتم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستند نویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۷	مقدمه
۱۵	فصل اول: بمباران مراغه در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال آن توسط روس‌ها
۱۷	بمباران مراغه در شهریور ۱۳۲۰ و اشغال آن توسط روس‌ها
۱۸	برقراری حکومت نظامی در مراغه
۳۰	پیامدهای اجتماعی و اقتصادی اشغال مراغه توسط روس‌ها
۳۷	مراغه و انتخابات مجلس سیزدهم
۳۸	پادگان ایلخی مراغه مرکز اسکان روس‌ها
۴۱	تحولات و رخداد های سیاسی مراغه در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳
۴۵	تشکیل حزب توده در مراغه
۵۰	تحركات حزب توده در مراغه در ۱۳۲۲
۵۴	مراغه و انتخابات مجلس چهاردهم
۶۳	اقدامات مردم مراغه در حمایت از دولت ساعد و مخالفت با حزب توده
۶۸	اقدامات و برخوردهای جمشیدخان اسفندیاری با فعالیت‌های حزب توده در منطقه‌ی مراغه
۷۶	تحولات مراغه در سال ۱۳۲۴
۷۷	فعالیت‌های حزب توده و عکس العمل مالکین و مخالفان در برابر آن
۱۰۹	تشدید ناامنی‌ها در اثر دخالت حزب، فرقه‌ی دموکرات و نیروهای شوروی در مراغه
۱۲۳	مجلس چهاردهم و مراغه
۱۳۷	اوضاع پادگان مراغه در اواخر آبان و آذرماه ۱۳۲۴
۱۴۱	تشکیل کنگره‌ی خلق آذربایجان «مجلس موسسان»
۱۴۲	انتخابات مجلس ملی در مراغه
۱۴۹	تشکیل جلسات و تدریس مسائل سیاسی
۱۵۸	تشکیل مجلس تذکر در ارتباط با مرگ میخائیل ایوانویچ کالنین
۱۶۰	تلگراف‌های مسئولین و گروه‌های مختلف مراغه به مناسبت ۱۲ شهریور
۱۶۰	تلگراف ژنرال کبیری به پیشه‌وری
۱۶۰	تلگراف انجمن ولایتی مراغه به پیشه‌وری
۱۶۱	اخراج تعدادی از اعضای فرقه در مراغه بنا به تصویب کمیته‌ی مرکزی
۱۶۲	تشکیل کمیسیون معین برای کمک به کارگران خوزستان
۱۶۲	تشکیل کمیته‌ی شفقت خواهران
۱۶۶	تلگراف کارمندان کمیته‌ی ولایتی مراغه به مناسبت وقایع زنجان
۱۶۶	انتخابات انجمن ولایتی
۱۶۷	وقایع و حوادث مهم طبیعی، اجتماعی در دوران تسلط فرقه در مراغه
۱۶۸	فعالیت‌های فرهنگی و هنری فرقه در مراغه
۱۷۷	ادامه‌ی تقسیم اراضی در مراغه
۱۷۹	اقدامات فرقه در امور بهداشتی و درمانی

۱۸۳	فصل دوم: تحولات مراغه از سقوط فرقه تا شروع اصلاحات ارضی
۱۸۵	اوضاع سیاسی مراغه بعد از سقوط فرقه‌ی دموکرات
۱۹۳	دستگیری ژنرال کبیری در سردرود توسط جمشیدخان اسفندیاری
۱۹۵	وضعیت عمومی مراغه در دوم دی ماه ۱۳۲۵
۱۹۶	رژه‌ی نیروهای ارتش در مراغه در ۵ دی ماه ۱۳۲۵
۱۹۷	تشکیل دادگاه نظامی در مراغه و محاکمه‌ی فداییان فرقه
	نقش خانواده‌ی فاطمی در تأمین امنیت ارامنه‌ی مراغه در بحران آذر ۱۳۲۵ بعد از شکست حکومت فرقه
۲۰۳	وضعیت اجتماعی مردم مراغه بعد از سقوط حکومت فرقه
۲۳۳	تحولات سیاسی مراغه از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰
۲۳۷	مسافرت شاه به مراغه
۲۳۹	اختلاف بین بهائیان و مسلمانان در مراغه
۲۴۲	اختلاف در مورد انتخابات انجمن شهرداری مراغه در اردیبهشت ماه ۱۳۲۸
۲۵۰	دستگیری قادرخان غفاری از فداییان دهات مراغه و کشته شدن وی
۲۶۳	تشکیل توده‌ی انتقام در مراغه
۲۶۴	انتخابات مجلس شانزدهم در مراغه
۲۶۹	انتخابات مجلس شانزدهم در مراغه
۲۷۰	وضعیت مردم مراغه در سال ۱۳۲۹
۲۷۱	اعتراض به انتصاب سرگرد امیر دیوانی به ریاست شهربانی مراغه
۲۷۳	مراغه و مجلس هفدهم
۲۷۵	شکایت مردم مراغه از غلامحسین مجیدی آهی فرماندار مراغه و درخواست عزل وی
۲۷۶	وضعیت اجتماعی مردم مراغه در ۱۳۳۱
۲۸۰	تحولات مراغه در فاصله‌ی سالهای ۱۳۳۲ تا شروع اصلاحات ارضی
۲۸۷	تبعات شکست دکتر مصدق بعد از کودتای ۲۸ مرداد در مراغه
۲۹۷	مراغه و مجلس هیجدهم
۲۹۸	مراغه و مجلس هیجدهم
۲۹۹	انجمن شهر مراغه در سال ۱۳۳۴
۳۰۸	مجلس نوزدهم
۳۰۸	مسأله‌ی اصلاحات ارضی
۳۲۵	تاریخچه اصلاحات ارضی
۳۲۵	قانون و مراحل اجرایی اصلاحات ارضی
۳۲۷	مسافرت ارستجانی به مراغه
۳۳۵	شاه در مراغه
۳۴۰	کتابنامه
۳۵۵	

پیشگفتار

بررسی رویدادها و تحولات تاریخی گذشته سبب درک بیشتر و مؤثرتر نسبت به شرایط و مقتضیات زمانی میگردد و به ما امکان ارزیابی، ارزش های گذشته را می دهد. در پی مطالعه و بررسی تاریخ پرافتخار شهرمان مراغه، به این واقعیت پی بردم که بسیاری از رویدادهای مهم منطقه از شهریور ۲۰ تا انجام اصلاحات ارضی در ۱۳۴۰، درهاله ای از ابهام باقی مانده است که نیاز به تحقیق بیشتری دارد.

هدف از تدوین این کتاب این بود که گرانبهاترین خاطرات و تجربه های مردم منطقه اعم از علمای بزرگوار، روشنفکران، صاحب نظران و سایر اقشار مردم به بوته ی فراموشی سپرده نشود. هدف دیگر از محدود کردن پژوهش به ربع قرن یعنی از آغاز شهریور ۲۰ و هجوم ارتش اشغالگر شوروی به آذربایجان و بمباران و اشغال مراغه تا اصلاحات ارضی در ۱۳۴۰، سبب گردید که رویدادهای منطقه با وسعت دید بهتر و دقیق تر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این کتاب سعی بر آن گردید که تحلیل رویدادها از جهت گیری ها و علایق شخصی به دور بوده و صرفاً بر مبنای واقعیت ها بررسی گردد.

در راستای تحقق اهداف فوق، کتاب حاضر تدوین گردید. با همه ی تلاش ها و دقتی که در نگارش کتاب به عمل آمده است، مطمئن هستم که کتاب خالی از اشکال و خطا نخواهد بود، ولی خداوند منان را شاکرم که عنایت فرمود که گامی هر چند جزئی برداشته شود. بی شک رهنمودها و راهنمایی های سازنده تمام صاحب نظران، محققین، اساتید محترم و عموم مردم فهیم مراغه، مشوق اینجانب در تدوین کتب

جامع تر در آینده خواهد بود.

در خاتمه از زحمات دو محقق بزرگوار شهرمان، جناب آقایان دکتر مسعود غلامیه و دکتر محمد مشتری و اساتید بزرگوار آقایان مهدی پور اسمعیلی و فیروز اسمعیلی که در گردآوری اطلاعات و اسناد همواره یار و یاور اینجانب بوده و سرکار خانم لیلی عباسی قام که در تایپ و صفحه آرایی کتاب متحمل زحمات بسیار شده اند کمال تشکر را دارم. از همسر و فرزندان عزیزم که همواره زحمات مرا با کمال صبوری تحمل کرده تا امکان تهیه این کتاب میسر گردد، سپاسگذارم.

منصور پور مؤذن

مراغه - ۱۳۹۳

مقدمه

شهرستان مراغه در استان آذربایجان شرقی در مشرق دریاچه‌ی ارومیه و بردامنه‌ی جنوبی کوه سهند قرار گرفته است.

آثار و نوشته‌های مورخین و محققین ادوار گذشته وجود این واحد جغرافیایی را در دوران قبل از اسلام و در دوره‌های بعدی به طور حتم مسلم می‌سازد. از مطالعه و بررسی این گونه اسناد می‌توان نتیجه گرفت که موقعیت جغرافیایی این شهرستان کم و بیش با محدوده‌ی جغرافیایی آن در ادوار گذشته منطبق می‌باشد.

فاصله‌ی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ از دوره‌های بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران می‌باشد. رویدادهای مهمی همچون حمله‌ی نیروهای متفقین به ایران، به خصوص اشغال آذربایجان توسط شوروی، سقوط رضا شاه، روی کار آمدن محمدرضا شاه، آزادی نسبی احزاب و انتشار روزنامه‌ها، فعالیت گسترده‌ی حزب توده، تشکیل فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت دکتر مصدق، اصلاحات ارضی و بسیاری از رویدادهای دیگر از جمله مواردی است که در این کتاب سعی بر این است که به بررسی و تأثیر این تحولات در طی دو دهه در منطقه‌ی مراغه پرداخته شود.

سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و از بین رفتن استبداد رضا خانی، ناراضیاتی‌های اجتماعی سرکوب شده در سال‌های گذشته را دوباره مطرح کرده و باعث شد که افراد روشنفکری چون سید اسمعیل پیمان، سید محمد موسوی، بولود قاراچورلو (سهند)، اسماعیل حمیدیه و بسیاری دیگر دوباره به صحنه بازگشته و به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی روی آورند. از سوی دیگر علما و روحانیان سرشناس شهر که با شدت گرفتن اقدامات سخت‌گیرانه رضاخان در تعطیلی حسینیه‌ها و اماکن مذهبی و جلوگیری از برگزاری مراسم مذهبی گوشه‌ی عزلت‌گرفته بودند، دوباره به فعالیت مجدد و احیای نقش مهم و حیاتی خود روی آورند، که سعی گردیده است که این

اقدامات و تحولات ناشی از آن مورد بررسی قرار گیرد.

از سوی دیگر موضوعی که در تاریخ معاصر مراغه نقش بسیار مهمی داشته و تلاش بر این است که در این کتاب به طور مشروح به آن اشاره گردد، اشغال مراغه توسط نیروهای ارتش شوروی و تبعات آن در زندگی مردم می‌باشد. در اولین روز هجوم ارتش شوروی به جنوب آذربایجان، فرماندار، روسای ادارات، فرماندهان نظامی به جز عده‌ی بسیار معدودی مقدمات فرار را آماده کردند. فرار دولت مردان اعم از نظامی و غیر نظامی در مواقع بحرانی و تنها گذاشتن مردم بی دفاع شهر، یک واقعیت تلخی است که در تاریخ مراغه ثبت شده است.

تأسیس فرقه‌ی دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ تأثیر بسیار عمیقی در کلیه‌ی شئون اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و مذهبی مردم مراغه داشت. با توجه به شعارهای رهبران فرقه که یکی از اهداف تأسیس فرقه را اجرای عدالت اجتماعی به ویژه در روستاها و تقسیم اراضی کشاورزی بین روستاییان و مبارزه با نظام ارباب و رعیتی و جلوگیری از اجحافات مالکین در روستاها اعلام می‌کردند. با توجه به وجود مالکین قدرتمند و روستاهای فراوان در مراغه، شعارهای فرقه در بین روستاییان طرفداران زیادی پیدا کرد لذا مراغه یکی از شهرهای پیشگام در تشکیل حکومت فرقه در آذربایجان گردید که در این کتاب به چگونگی روند شکل‌گیری و به قدرت رسیدن حکومت فرقه در منطقه و واکنش مردم مراغه به آن اشاره خواهد گردید.

موضوع مورد بحث دیگر در کتاب بررسی تحولات مراغه از سقوط فرقه تا شروع اصلاحات ارضی می‌باشد. در این دوره‌ی ۱۵ ساله، مراغه شاهد رویدادهای مهمی چون تشکیل دادگاه نظامی، محاکمه و اعدام بسیاری از فداییان فرقه همچون ژنرال کبیری، حیدر آفاقی و ...، برگزاری انتخابات مجلس پانزدهم تأیست، قحطی شدید در مراغه در طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹، مبارزات مردم مراغه در حمایت از دکتر مصدق در ۱۳۳۲ بود.

در سال ۱۳۴۰ نام مراغه همواره با نام اصلاحات ارضی عجین بوده است. مراغه لقب شهر پیشاهنگ انقلاب سفید شاه را گرفت و برای اولین بار قانون اصلاحات ارضی در این شهر اجرا گردید. در این کتاب سعی بر این است که تاریخچه‌ی اصلاحات ارضی، قانون و مراحل اجرایی اصلاحات ارضی، مسئولین پروژه در مراغه، مسافرت شاه جهت اعطای اسناد املاک و واگذاری شده به روستاییان و علل انتخاب شهر مراغه را به عنوان پیشاهنگ انقلاب، مورد بررسی قرار گیرد. جامعه‌ی ایران در دوره‌ی سلطنت قاجار، بر شالوده‌ی پادشاهی اقتدارگرا، با قدرتی بی‌حد و مرز بر تمام شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور استوار بود. این اقتدار بر پایه‌ی ویژگی‌ها و شایستگی‌های فردی پادشاه استوار نبود، بلکه به حکم مقام شاهی کسب شده بود. شاهزادگان، وابستگان درباری و دولت‌مردان در هاله‌ی از ناتوانی و ناآگاهی نسبت به مسائل داخلی و بین‌المللی به سر می‌بردند. مردم سال‌ها به این وضعیت خو کرده و در مورد امکان تغییر

شرایط اندیشه‌ای نمی‌کردند و یا ابزاری برای تحقق آن نمی‌یافتند. ولی رویدادها و تحولاتی که با گذشت زمان رخ می‌داد، نشان داد که زمینه‌ی گذر از این وضعیت به وجود آمده است که اولین جرقه‌ی آن در نهضت معروف تنباکو با فتوای مراجع عظیم‌الشان جهان تشیع زده شد. تحریم مصرف تنباکو توسط مردم همچون تیری بود که بر پیکره‌ی نظم کهن فرود آمده و با لغو این امتیاز، به حیثیت دولت استعماری انگلستان در ایران لطمه بسیار شدیدی وارد شد و نتیجه‌ی دیگر آن، درهم شکسته شدن اقتدار شاهی بود. شاه که نقطه‌ی هم‌پیوستی تمام ترتیبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بود، برای نخستین بار طعم ناخوشایند نارضایتی عمومی را چشید. این امر به ناصرالدین شاه که در طول سلطنت طولانی خود هرگز عادت به شنیدن واژگانی کمتر از اظهار بندگی از سوی مردم را نداشت، بسیار سنگین می‌آمد. از این دوره به بعد، ایران تبدیل به آوردگاه بی‌سابقه‌ی ایستادگی توده‌ی مردم در مقابل خواسته‌های دولت‌های استعماری و قدرت خودکامه‌ی شاه تبدیل شد. شرایط و جریان‌های موجود آمده، سبب ایجاد لایه‌های اجتماعی شد که از مهمترین آنها می‌توان به طبقه‌ی روشنفکران اشاره کرد. حذف ناصرالدین شاه از صحنه‌ی سیاسی کشور و آمدن پادشاهی که از بسیاری جهات باید متفاوت بود، شرایط رایج شکلی نامحسوس آماده‌ی پذیرش تغییراتی نو می‌کرد. شتاب‌دهنده‌هایی همچون اوضاع نابسامان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، روند اجرایی تغییرات را تسریع می‌بخشید. وجود مؤلفه‌ی قدرتمندی همچون روحانیت که از سوی توده‌ی مردم و بازار حمایت می‌گردید، حرکت براندازی استبداد و حرکت به سوی قانون و عدالت را سریع‌تر کرد و مظفرالدین شاه را وادار به صدور فرمان مشروطیت ساخت. با فعالیت مجلس، سرانجام نخستین قانون اساسی ایران تدوین گردید. خوی استبدادی جانشین مظفرالدین شاه و مخالفت تدریجی وی با نظم نوین سبب رویارویی مشروطه‌طلبان با وی گردید که در نهایت منجر به حذف محمدعلی شاه از صحنه‌ی سیاسی کشور و روی کار آمدن فرزندش احمد شاه گردید. دیدگاه خاص احمد شاه قاجار نسبت به مسائل داخلی و بین‌المللی نظیر عدم تسلیم در برابر فشارهای دولت انگلیس در امضای قرارداد ۱۹۱۹ و تعهد به اجرای قانون اساسی کشور، مخالفت با احداث راه آهن جنوب به شمال توسط انگلیسی‌ها که به جای جنبه‌ی اقتصادی، بعد نظامی داشت از سویی سبب قطع امید انگلستان از وی گردید و از سوی دیگر عواملی چون ضرورت برقراری امنیت در ایران جهت نیل به مطامع اقتصادی انگلستان به ویژه صدور آسان نفت برای کشتی‌های جنگی انگلستان و ممانعت از دسترسی رقیب به این منبع ارزشمند، ایجاد حکومت نظامی قوی به منظور سرکوب جنبش‌های استقلال‌طلبانه همچون قیام شیخ محمد خیابانی، جنبش میرزا کوچک خان جنگلی، قیام کلل محمدتقی خان پسیان، قیام رئیسعلی دلواری در دشتستان و خیزش‌های پراکنده در شهرهای دیگر و جلوگیری از نفوذ کمونیسم، دولت انگلستان را بر آن داشت که به دنبال یک مهره‌ی جایگزین که بتواند اهداف انگلیس را تحقق

بخشد، بیافتد. از میان کاندیداهای مورد نظر انگلیس، برای اجرای این امر افرادی نظیر سردار اسعد بختیاری، امیر موقی نخجوان، سالار جنگ، نصرت‌الدوله فیروز سرانجام سید ضیاءالدین طباطبایی و رضاخان میرپنج به عنوان عوامل سیاسی و نظامی کودتا انتخاب شدند.

در تبیین کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و استقرار سلطنت پهلوی باید نقش کانون جهان وطنی مورد توجه قرار گیرد که در فرهنگ سیاسی معاصر از آن به «صهیونیسم» تعبیر می‌شود. این کانون پیوندهای وسیع و عمیق با زرسالاری یهودی داشت. این کودتا با دستور مستقیم لرد ریدینگ نایب‌السلطنه وقت هند و سر ویستون چرچیل وزیر جنگ بریتانیا به سر اردشیر رپیورتر و ژنرال آیرون ساید آغاز شد و به فرجام رسید. در تاریخ‌نگاری بریتانیا از عناصر وابسته به این کانون مانند لرد روزبری، چرچیل، بالفور و غیره، گاه با عنوان «صهیونیست‌های مسیحی» یاد می‌شود.

کودتای رضاخان در زمان دیوید لوید جرج در بریتانیا صورت گرفت. این همان دولتی است که اعلامیه‌ی معروف بالفور (۲ نوامبر ۱۹۱۷) را به سود صهیونیست‌ها صادر کرد. لوید جرج شخصاً با اشتیاق فراوان از اعلامیه بالفور پشتیبانی کرد و آن را گامی به سوی تأسیس یک دولت یهود شمرد.

رضاخان پس از موفقیت در کودتا، به مقام وزارت جنگ منصوب شد. سپس در آبان ۱۳۰۲ شمسی با حفظ سمت پیشین با فرمان شاه به مقام ریاست‌الوزارایی منصوب گردید. پس از انتصاب به مقام نخست‌وزیری، تلاش‌هایی را برای کسب و تثبیت قدرت آغاز کرد و در این راه دست به اقداماتی زد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱- دخالت در انتخابات و فرستادن طرفداران خود به مجلس:

رضاخان خوب می‌دانست برای اینکه اقداماتش در آینده مورد مخالفت قرار نگیرد و حتی پشتیبانی مجلس را به دنبال داشته باشد، باید عناصر وابسته‌ی خود را وارد مجلس سازد. لذا با دخالت‌های غیرقانونی در انتخابات مجلس پنجم و به کمک فرماندهان قشون، به جز در تهران و چند شهر بزرگ دیگر که انتخابات آن نسبتاً آزاد بود، سایر مناطق را در سلطه‌ی نیروهای نظامی درآورد و افراد مورد نظر را به مردم تحمیل نمود. اما به رغم تلاش مأموران سردار سید، تعدادی از مخالفان وی از جمله شهید سید حسن مدرس به مجلس راه یافتند و فراکسیون اقلیت را تشکیل دادند. به عنوان نمونه‌ای از دخالت رضاخان در انتخابات مجلس تلگرافی که وزارت جنگ به تاریخ ۱۶ جوزای ۱۳۰۲ به ایالت فارس ارسال شده است، عیناً آورده می‌شود:

«ایالت جلیله‌ی فارس، در تعقیب تلگرافات سابق، مقتضی است قدغن فرمائید که در انتخابات نوبخت از یوشهر مساعدت نشود. حکمت هم که جزو کاندید شهر شیراز است، از چهارم بفرمائید بشود. راجع به ضیاء‌الواعظین بایستی هر طور است اقدامی بفرمائید که از انتخاب مشارالیه جلوگیری بعمل بیاید. نمره ۱۲۳۳، وزیر جنگ و فرمانده کل قشون: رضا»

۲- رضاخان و نهضت جمهوری خواهی:

دولت با دخالت در انتخابات سبب شد که اکثریت قاطعی در مجلس پنجم داشته باشد و با تمهیداتی که از سوی طرفداران جمهوری رضاخانی، مثل فراکسیونهای تجدد به رهبری تدین و سوسیالیست‌ها به رهبری میرزاسلیمان اسکندری در مجلس صورت گرفت، غالباً جمهوری خواهی آغاز گردید. در کنار این اقدامات و تبلیغاتی که از سوی هواداران رضاخان به راه افتاد، وی دستور العملی به امیران لشکرهاى خود ارسال داشت تا به حمایت از جمهوریت تلاش کنند. در این میان روحانیان مبارزی مانند شهید مدرس و ثنی چند از آزادی خواهان به مخالفت با جمهوریت برخاستند و در نهایت این امر به شکست انجامید. رضاخان که شدیداً متأثر از ناسیونالیسم مصطفی کمال آتاتورک و هر ترکیه بود، به تأسی از وی برای استقرار جمهوری تلاش کرد. اما روحانیون به عنوان یک طبقه منفذ، از جمهوری غیرمذهبی ترکیه بیش از هر چیز واهمه داشتند. او پس از مسافرت به قم و مذاکره با شیخ عبدالکریم حائری و سایر آیات عظام به طور موقت از موضوع جمهوری خواهی منصرف شد و در بیانیه‌ای اعلام کرد که مقتضی است تقاضای جمهوری موقوف گردد.

۳- سانسور و توقیف مطبوعات:

ابعاد سانسور و توقیف جراید با اولین بیانییه رضاخان بعد از کودتا آغاز گردید. به ویژه طی سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۷ که دوره‌ی تثبیت حاکمیت استبدادی رضاخان است. در این دوره دگرگونی وسیعی در مطبوعات که تا پیش از این جسورانه نظر خود را نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی و انتقاد از حکومت و دفاع از استقلال و آزادی بیان می کردند، صورت پذیرفت. مطبوعات این دوره بر اثر فشار دستگاه حاکمه و ترس از ابراز هر گونه اظهار نظر آزادانه، از معنی و محتوا خالی شد و جز تبلیغ و نشر افکار مورد حمایت دولت استبدادی نقشی بر عهده نداشتند. در این دوره آن دسته از مطبوعات که به خود جرأت انتقاد از عملکرد هیأت حاکمه می دادند مشمول سانسور و توقیف می گردیدند. مسلم است که این سانسور و توقیف همانند سایر اقدامات رضاخان یک دفعه به وجود نیامد، بلکه سیر تدریجی را طی نمود.

۴- متحدالشکل نمودن البسه مردم:

متحدالشکل کردن لباس مردم یکی دیگر از وقایع مهم دوره‌ی رضاخانی بود. وی که به سنت و تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه‌ی ایران به عنوان مانعی جدی در راه مدرنیته می نگریست، در راستای تحول در فرهنگ و سنت جامعه و در جریان تجددگرایی و تلاش برای مدرن سازی، دستور متحدالشکل نمودن لباس های مردم و اجباری شدن استفاده از کلاه پهلوی را صادر کرد.

شهرنامه‌های عمرانی، اقتصادی و نظامی رضاخان:

وی با تأسیس ادارات به سبک نوین به ساماندهی وضعیت اداری پرداخت و به یکی کردن نیروهای نظامی کشور و تشکیل ارتش ایران مبادرت نمود. از دیگر اقدامات او در این زمینه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فرستادن دانشجویان ایرانی به خارج از کشور برای تحصیل
- پایه‌گذاری بانک ملی ایران
- ساخت راه آهن سراسری ایران
- جاده‌سازی در سراسر کشور
- تأسیس دانشگاه تهران
- تأسیس فرهنگستان ایران و ...
- ۶- کشف حجاب

رضاخان از هنگام ورود به صحنه‌ی سیاسی تا پایان سلطنتش در مورد زنان، به ویژه حجاب آنان، بنا به اقتضای موقعیت، مواضع گوناگونی اتخاذ کرد. وی هنگامی که نخست‌وزیر بود از ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ عمداً و هوشیارانه از طرح موضوع حجاب پرهیز می‌کرد و همانند آغاز به قدرت رسیدنش، سیاستی محتاطانه در مسائل دینی در پیش گرفته تا علماء و جامعه‌ی مذهبی کشور از وی رنجیده نشوند. در حالی که در این دوره مخالفت با حجاب در بین افراد تحصیل کرده‌ی شهری در حال افزایش بود، ولی رضاشاه درباره‌ی موضوع حجاب تا حدودی تردید داشت. از عوامل خارجی مؤثر بر تسریع جریان کشف حجاب، یکی توقف امان‌الله خان پادشاه افغانستان و همسرش در تهران در خرداد ماه ۱۳۰۷ به هنگام بازگشت از سفر اروپا بود که در این سفر همسر امان‌الله خان بدون حجاب ظاهر شد. عامل دیگر سفر رضاشاه به ترکیه و ملاقات او با آتاترک رهبر ترکیه و بازدید وی از دستاوردهای تحولات انجام گرفته در ترکیه بود. رضاشاه برای تحقق سیاست همگون‌سازی زنان جامعه‌ی ایران با جوامع اروپایی و زمینه‌سازی جهت ترویج بی‌حجابی، سیاستی تدریجی و گام به گام در پیش گرفت که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱) حضور بدون حجاب همسر رضاشاه در حرم مطهر حضرت معصومه در قم به سال ۱۳۰۶ و اعتراض مرحوم شیخ محمدتقی بافقی به این امر؛ این واقعه سبب گردید که رضاخان شخصاً به قم رفته و دستور دستگیری و زندانی نمودن مرحوم شیخ را صادر نماید.
- ۲) حضور صاحب‌منصبان حکومتی به همراه همسران بی‌حجابشان در تفرجگاه‌ها و اماکن عمومی.

۳) انتشار شایعه بی‌حجابی عمومی در نوروز ۱۳۰۸ هجری شمسی؛ پخش چنین شایعانی در زمینه‌سازی و آمادگی اذهان عمومی تأثیر فراوانی داشت.

۴) برگزاری جشن‌های مختلط و مراسم مختلف و حضور زنان بی‌حجاب در آن مراسمات.

- ۵) تأسیس کانون بانوان به ریاست شمس، دختر بزرگ شاه.
 - ۶) فاجعه‌ی مسجد گوهرشاد و برخورد نظامی خشونت‌آمیز با مخالفان بی‌حجابی.
 - ۷) صدور بخشنامه وزارت آموزش و پرورش مبنی بر محرومیت دختران باحجاب از دریافت جایزه یا دیپلم و عدم پرداخت حقوق به آموزگاران که از چادر استفاده می‌کنند.
 - ۸) حضور ملکه و دخترانش بدون حجاب به همراه رضاشاه در مراسم افتتاح دانشسرای مقدماتی نویناد تهران در هفدهم دی ماه ۱۳۱۴.
 - ۹) برگزاری جشن‌های گرامیداشت بی‌حجابی در ماه‌های دی و بهمن ۱۳۱۴ در سراسر کشور.
- متأسفانه در ایران نیز همانند ترکیه، این تحولات شتابان و بدون تعمق و توجه به اعتقادات و باورهای عمیق مذهبی حاکم بر جامعه ایرانی صورت گرفت و با گذشت زمان، صورت تقلیدی از هنجارهای غربی پیدا کرد. جالب آنکه در ترکیه که به الگویی برای رضا شاه تبدیل شده بود، آتاتورک هیچ قانونی برای ممنوعیت حجاب به تصویب نرساند، اما رضاشاه به این عمل مبادرت کرد.
- اقدامات مستبدانه رضاشاه در کشف حجاب موجب نارضایتی شدید جامعه‌ی مذهبی و خانواده‌های سنتی که باورها و آموزه‌های دینی در آن‌ها بسیار ریشه‌دار بودند، گردید. این امر سبب محرومیت بسیاری از دختران از تحصیل گردید و بسیاری از زنان به علت برخورد های خشونت‌آمیز مأموران شهرانی در خانه ماندند. بسیاری از مردم به دلیل این فشارها تصمیم به خروج از کشور گرفتند. برای نمونه برخی از زنان خرمشهر از مرز گذشتند و به عراق مهاجرت کردند. متأسفانه اقدامات اجباری رضاخان در مدرنیزه کردن کشور به سبک و روش کشورهای غربی بدون توجه به ارزش‌های اصیل اسلامی و ایرانی، سبب ایجاد چالشی گردید که جامعه‌ی ایران را با بحران هویتی مواجه نمود که سالهای زیادی این بحران ادامه داشت.
- رضاخان در طول سلطنت شانزده ساله‌اش اقدامات بسیاری در راستای غربی‌سازی جامعه با شیوه‌ی دیکتاتوری مطلق انجام داد. وی در اواخر سلطنت به توسعه‌ی روابط با آلمان علاقه یافت. به همین دلیل، مقارن آغاز جنگ جهانی دوم، تعدادی از کارشناسان آلمانی در مؤسسات ایران مشغول به کار شدند. البته این در حالی بود که ایران به طور رسمی بی‌طرفی خود را در جنگ اعلام کرده بود. انگلیسی‌ها از گسترش فعالیت آلمانی‌ها در ایران نگران بودند و تلاش رضاخان را برای نزدیکی به آلمان با سوءظن پیگیری می‌نمودند.
- با حمله‌ی آلمان به روسیه در اول تیر ماه ۱۳۲۰ و اتحاد روسیه و انگلیس بر علیه آلمان، ایران در برابر تهدیدی جدی قرار گرفت. در پنجم تیر ماه دولت‌های روسیه و انگلیس طی یادداشتی از رضاشاه خواستند که کارشناسان آلمانی را از ایران اخراج کند. رضاشاه در پاسخ اظهار داشت که ایران کشور بی‌طرفی است و فعالیت آلمانی‌ها در ایران محدود به کارهای ساختمانی و امور بازرگانی است. روز ۲۸ تیر ماه اخطار

دیگری به ایران داده شده و بالاخره ۲۵ مرداد یادداشت مشترک روسیه و انگلیس به منزله ای تمام حجت بر ایران بود. سرانجام روز سوم شهریور ۱۳۲۰ سربازان ارتش سرخ از مرزهای شمال و نیروهای انگلیسی از طریق بنادر جنوب به ایران حمله ور شدند و سفیران انگلیس و روسیه در صبح همان روز علت این اقدام را طی یادداشت های جداگانه ای به علی منصور نخست وزیر وقت ابلاغ کردند. نخست وزیر نیز در کاخ سعدآباد رضاشاه را در جریان امر قرار داد. دولت های روسیه و انگلیس رضاشاه را برای استعفا از مقام سلطنت تحت فشار قرار دادند. این در شرایطی بود که بسیاری از شهرهای بی دفاع شمال و جنوب کشور در جریان حمله ای هماهنگ و مشترک روسیه و انگلیس، شدیداً بمباران شدند و نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای خزر طی چند ساعت نابود گشت و علاوه بر این هزاران غیرنظامی در بمباران شهرهای مختلف جان باختند و خسارات سنگینی به تأسیسات اقتصادی کشور وارد آمد. کشور دچار قحطی و فقر شدید شد. مردم از لحاظ نان و ارزاق به شدت در مضیقه قرار گرفتند. در پی این حملات، نیروهای متفقین در ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ رضاخان را وادار به استعفا نموده و پسرش محمدرضا پهلوی را به سلطنت نشانادند. رضاخان از راه بندرعباس با یک کشتی انگلیسی به جزیره موریس در آب های شرق ماداگاسکار تبعید شد. رضاشاه سپس از آنجا به ژوهانسبورگ در آفریقای جنوبی منتقل شد و سه سال بعد در چهارم مرداد ماه ۱۳۲۳ در تبعید درگذشت.